

# شناسایی دولت در حقوق بین الملل

نویسنده: پوهنیار محمد فریدون سروش

## چکیده

برای اعمال کامل صلاحیت و قبول شدن به عنوان عضو فعال جامعه بین المللی، هر دولتی بعد از تأسیس، ضرورت به شناسایی دارد. شناسایی دولت در حقوق بین الملل یکی از مباحثی است که بیشتر بر ساز کارهای سیاسی استوار بوده و برای کسب آن روش های متفاوتی پیشبینی شده است. گاهی عمل شناسایی از مجرای یک سازمان بین المللی یا کنفرانس عمومی به شکل دسته جمعی صورت گرفته و گاهی شناسایی با رویکرد انفرادی همراه بوده است. شناسایی به معنای آن است که دولت شناسایی کننده و دولت مورد شناسایی در روابط خویش طبق حقوق بین الملل از حقوق و تکالیف ناشی از دولت بودن برخوردار اند. در خصوص ماهیت شناسایی دو دیدگاه متفاوت در حقوق بین الملل مطرح می گردد، یکی این که شناسایی به دولت جدید شخصیت حقوقی می بخشد و نظریه دوم، این که شناسایی به معنای اعطای

شخصیت حقوقی و ایجاد دولت جدید نبوده؛ بلکه یک واقعیت از قبل موجود را تأیید می‌نماید. شناسایی شرط اساسی و لازم برای برقراری مناسبات میان کشورها، و موید حق و تکلیف برای دولت تازه تشکیل شده در عرصه بین‌المللی دانسته می‌شود.

**واژه‌های کلیدی: شناسایی، شخصیت حقوقی، دولت، دوزوره، دوافکتو، حاکمیت، حقوق بین‌الملل.**

### مقدمه

جامعه بین‌المللی از ثبات و دوام همیشگی برخوردار نبوده، تغییر اوضاع سیاسی، انقلاب‌ها و در بعضی مواقع توسل به حق تعیین سرنوشت سبب می‌گردد تا شاهد ظهور دولت و حکومت جدید در عرصه بین‌المللی باشیم. دولت جدید ممکن است در اثر اتحاد دو کشور و یا از تجزیه یک کشور ایجاد شود؛ در حالی که حکومت‌های جدید به دنبال انقلاب‌ها و حوادث سیاسی روی کار می‌آیند. در هر دو صورت مسأله شناسایی مطرح می‌شود.

دولت یک شخصیت حقوق عمومی با داشتن حق ممتاز حاکمیت است و با توجه به این که از طرف سایر دولت‌ها مورد شناسایی قرار می‌گیرد؛ این شخصیت حقوقی واجد صفت بین‌المللی نیز می‌گردد؛ به طور خلاصه دولت یک شخصیت حقوق عمومی بین‌المللی است که اصلی‌ترین موضوع حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. هر واحد سیاسی پس از آن که عناصر ضروری تشکیل آن (جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت) فراهم گردید باید مورد شناسایی قرار گیرد تا بتوان نام دولت را روی این موجودیت سیاسی نهاد. در حقوق بین‌الملل شناسایی دولت صرفاً جنبه خارجی داشته و بیشتر به دولت‌های موجود بسته‌گی دارد تا مردم تحت حاکمیت دولت جدید؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت شناسایی بیشتر با استقلال سیاسی و رعایت حقوق بین‌المللی دولت جدید در ارتباط است تا با نحوه اعمال اراده دولت بر مردم

تحت حاکمیت آن.

شناسایی عملی است که به موجب آن دولت‌های موجود، تشکیل یک واحد سیاسی را که عناصر لازم برای تأسیس داراست و قادر به تأمین روابط بین المللی می‌باشد، تأیید می‌کنند. درمورد شناسایی دولت دو نظریهٔ مختلف وجود دارد: نظریهٔ تأسیسی و نظریهٔ اعلامی. نظریهٔ تأسیسی را بیشتر طرفداران مکتب حقوق ارادی مطرح می‌کنند و بر این باور اند که هیچ دولتی تأسیس نمی‌شود، مگر این که توسط دولت‌های موجود مورد شناسایی قرار گیرد؛ اما برعکس نظریهٔ اعلامی برین تأکید می‌دارد که به محض تجمع عناصر لازم، دولت موجودیت پیدا می‌کند و نیازی به شناسایی آن توسط دولت‌های دیگر نیست. رویه دولت‌ها امروزه مبتنی بر نظریهٔ اعلامی بوده و مؤسسهٔ حقوق بین الملل نیز این نظریه را پذیرفته است. شناسایی به شکل کامل یا دوزوره و همچنان به شکل ناقص یا دوافکتو می‌تواند صورت گیرد. منافع و دیدگاه‌های دولت شناسنده از یک طرف و میزان اقتدار و مشروعیت ملی دولت مورد شناسایی از طرف دیگر، عناصری اند که تأثیر مستقیمی در نوع شناسایی دولت جدید دارند. تفکیک بین شناسایی به صورت دوافکتو و دوزوره در گذشته بیشتر از امروز رایج بوده است. شناسایی دوزوره حکایت از قانونی بودن مبنای یک رژیم یا به عبارت دیگر مشروعیت آن و نشانه تأیید رژیم جدید از سوی دولت شناسایی کننده است؛ حال آن که، شناسایی دوافکتو به معنای این است که یک رژیم یا حکومت جدید در سرزمینی مستقر شده و دارای کنترل بالفعل و عملی در آن سرزمین است. درین مقاله سعی شده تا ابتدا، ماهیت حقوقی شناسایی با توجه به نظریاتی که درین رابطه ارائه شده بررسی گردد، در قدم بعدی، انواع شناسایی ارزیابی گردد و در اخیر به ذکر آثار شناسایی به طور مختصر پرداخته شده است.

### الف - شناسایی

#### ۱. تعریف، ماهیت و نظریه‌های مربوط به شناسایی

شناسایی عملی است که به موجب آن دولت‌های قدیمی وجود یک جامعهٔ سیاسی جدید و مستقل را که قادر به رعایت حقوق بین الملل باشد در سرزمین معینی تأیید و تصدیق می‌کنند

و در نتیجه اراده خود را مبنی بر شناسایی آن به عنوان عضو جامعه بین الملل اعلام می‌دارند. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۵۴) شناسایی به معنای آن است که در رابطه بین دولت شناسایی کننده و دولت مورد شناسایی، دو طرف از حقوق و تکالیف ناشی از «دولت» یا «حکومت» بودن برخوردارند. شناسایی حکومت جدید به معنای آن است که حکومت مزبور، نماینده گی دولت مربوط خود را در صحنه بین‌المللی به عهده دارد.

شناسایی یا به رسمیت شناختن دولت‌ها از سه جهت حایز اهمیت است. نخست، از نظر سیاسی، یعنی این که شناسایی دلیلی بر اراده دولت‌های شناسایی کننده برای آغاز تعاملات بین المللی و داشتن روابط سیاسی با دولت جدید دانسته می‌شود. دوم، این که شناسایی تأیید کننده اعتبار قانونی کشور جدید است یا به عبارت دیگر از نظر دولت‌های شناسایی کننده دولت جدید از تمام شرایط لازم برای تبدیل شدن به یک تابع بین المللی برخوردار است. سوم، این که شناسایی از جهت حقوقی برای کشور دولت جدید اهمیت دارد؛ چون وقتی شناسایی صورت گرفت دولت‌های شناسایی کننده نمی‌توانند تغییر موضع دهند و ادعا کنند که موجودیت جدید از وضعیت دولت بودن برخوردار نیست. (کاسسه؛ ۱۳۸۵: ۱۰۵)

شناسایی بین المللی دارای یک سری شرایطی است که با تکمیل شدن آن دولت شناسایی کننده اقدام به شناسایی دولت جدید نموده و آن را به عنوان عضو فعال خانواده بین المللی می‌پذیرد. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۵۵) شرایط مذکور به ترتیب زیر اند:

۱. دولت جدید باید استقلال داشته باشد.
۲. ثبات داخلی و اعتماد مردم نسبت به حکومت کشور جدید. هرچند به دلیل ملاحظات سیاسی در شناسایی کشورها شرط ثبات داخلی به شکل کامل ودقیق رعایت نگردیده و کشورهایی که حتی ثبات داخلی نداشته اند مورد شناسایی قرار گرفته اند.
۳. داشتن سرزمین معین.

برای شناخت ماهیت شناسایی و این که شناسایی چه تأثیری در موجودیت و مشروعیت بین المللی یک دولت جدید دارد لازم است تا نظریات ارائه شده پیرامون شناسایی را به طور مفصل بررسی نماییم. در حقوق بین الملل معاصر دو نظریه در خصوص ماهیت شناسایی وجود دارد:

الف- نظریه تأسیسی یا ایجادى: نظریه تأسیسی معتقد است که دولت‌ها با شناسایی، دولت جدیدی را ایجاد می‌کنند؛ یعنی، این عمل شناسایی است که سبب تأسیس و شکل‌گیری یک دولت جدید شده و آن را از تابعان حقوق بین الملل قرار می‌دهد؛ پس شناسایی یکی از مؤلفه‌های دولت بودن تلقی می‌گردد. (امیدی؛ ۱۳۸۸: ۸۹) از این دیدگاه، مادامی که دولت نوپا، از سوی دولت‌های دیگر به رسمیت شناخته نشده است، نمی‌تواند وجود قانونی پیدا کند. بنابراین، شناسایی اثر تأسیسی دارد. این نظریه که از سوی پیروان مکتب ارادی حقوق مثل آنزیلوتی، اینهایم و تری‌پل مطرح شده است، با انتقاداتی نیز مواجه بوده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که کشورهای جدید صرفاً با اراده کشورهای دیگر ایجاد نمی‌شوند؛ بلکه در نتیجه اجتماع شرایط سیاسی، جغرافیایی و تاریخی به وجود می‌آیند. به عنوان مثال تأسیس کشور چین کمونست هرچند تعداد کثیری از کشورهای جهان آن را شناسایی نکردند و عضویت ملل متحد را تا حدود بیش از دو دهه حاصل کرده نتوانست؛ اما به عنوان یک دولت از اعمال بین المللی که انجام می‌داد مسئول شناخته می‌شد. لذا اشکال نخست، نظریه ایجادى این است که در مورد نقش اراده در تشکیل دولت‌ها مبالغه شده است. (بیگدلی؛ ۱۳۸۶: ۲۱۳)

- انتقاد دیگر این که اگر این نظریه پذیرفته شود، کشور جدیدی که هنوز مورد شناسایی قرار نگرفته است نمی‌تواند از هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی برخوردار باشد و در نتیجه

می توان قلمرو آن را چون سرزمین بلاصاحب تعریف کرد. همچنین کشور جدید، چون هنوز کشور شناخته نشده است، می تواند مقررات بین المللی را نقض کند بدون این که مسؤولیتی متوجه آن باشد. مزید برین چنان که کشور جدید توسط برخی از کشورها مورد شناسایی قرار گیرد، فقط از نظر کشورهای مزبور عضو جامعه بین المللی شناخته می شود. (بیگدلی؛ ۱۳۸۶: ۲۱۳)

ب- نظریه اعلامی: طبق این نظریه وجود یک دولت یا حکومت بسته گی به واقعیت امر دارد و شناسایی فقط تصدیق واقعیت است. طرفداران نظریه اعلامی معتقد اند که شناسایی فقط تأیید واقعیتی است که وجود دارد و این واقعیت ممکن است وجود یا عدم وجود یک دولت یا حکومت باشد. در مواردی که تأسیس یک دولت یا حکومت مستلزم نقض حقوق بین الملل نیست، شناسایی یا عدم آن تأثیر زیادی در مسأله ندارد و در این گونه موارد، شناسایی جنبه اعلامی را به خود اختیار می کند. (مقتدر؛ ۱۳۷۴: ۶۲) این نظریه نیز خالی از انتقاد نیست، با پذیرش این نظریه نقش شناسایی تقلیل یافته در حالی که نهاد شناسایی یکی از مسایل مهم در روابط بین الملل امروزی به شمار رفته و بدون آن دولت نو تأسیس نقش کاملاً انفعالی خواهد داشت.

با توجه به نظریات فوق و انتقاداتی که بر آنها وارد است هیچ یک از دو نظریه به طور کامل با واقعیت های موجود جامعه بین المللی سازگار نیست؛ لذا برای حل مسأله شناسایی باید راه حل تازه ای ارائه کرد. شاید بهترین راه حل استناد به نظریه «لوتر پاخت» باشد که در واقع تعدیل و اصلاح نظریه تأسیسی و در عین حال حاوی نظریه اعلامی نیز می باشد. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۵۸) به اعتقاد لوتر پاخت، هنگامی که شرایط مقرر در حقوق بین الملل برای احراز وضعیت دولت محقق گردد، کشورهای موجود وظیفه دارند که آن را به رسمیت بشناسند. این امر بدان دلیل است که با عدم وجود یک مرجع مرکزی در حقوق بین الملل برای ارزیابی و

اعطای شخصیت حقوقی، این کشورها هستند که باید این وظیفه جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل را به انجام برسانند. از آنجا که طبق این نظریه دولت‌ها واقعیت موجود جامعه بین‌المللی را تأیید می‌کنند، به نوعی اعمال نظریه اعلامی نیز می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که شناسایی دارای خصیصه اختیاری است. به عبارتی دولت‌ها در برخورد با پدیده شناسایی، دارای آزادی عمل می‌باشند و می‌توانند به هر نحوی که صلاح بدانند عمل کنند. (مقتدر؛ ۱۳۷۴: ۶۳) هرچند عمل شناسایی یک امر اختیاری دانسته شده؛ اما در مواردی شناسایی با محدودیت‌های مواجه می‌گردد و باید مبتنی بر یک سلسله اصولی باشد که اینک به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

اصل منع شناسایی زود هنگام: به منظور حمایت از اصل دوام دولت‌ها، دولت‌ها از شناسایی زودرس دولت یا حکومت جدید منع شده‌اند؛ به عنوان مثال جایز نیست شورشیان یک کشور که در گوشه‌یی از آن سرزمین تشکیلاتی دایر کرده‌اند مورد شناسایی قرار گیرند. اصل منع استرداد شناسایی: منطقی و دوستانه نخواهد بود اگر دولتی یک کشور نو تأسیس را شناسایی کند و بعد از مدتی بدون موجب شناسایی را پس بگیرد.

اصل منع شناسایی دولت‌های تشکیل شده با زور: دولت‌ها و حکومت‌هایی که به شکل غیرقانونی و به زور تأسیس می‌گردد نباید شناسایی گردند به خاطری که تأسیس چنین دولت‌هایی خلاف قواعد آمره بین‌المللی است.

منع شناسایی به دستور سازمان ملل متحد: طبق منشور ملل متحد تمامی کشورهای عضو ملل متحد مکلف به اجرای اقداماتی‌اند که از سوی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده باشد. (آقایی؛ ۱۳۸۲: ۹۱) هرگاه سازمان ملل متحد تشکیل دولتی را خلاف نورم‌های پذیرفته شده بین‌المللی تشخیص دهد می‌تواند دستور به عدم شناسایی آن را صادر کند؛ به عنوان مثال خود داری اعضای ملل متحد از شناسایی رژیم نژاد پرست رودزیا در سال ۱۹۷۰ بر اساس همین

اصل صورت گرفت.

### ب- اشکال شناسایی

شناسایی دولت جدید التأسيس توسط سایر اعضای جامعه بین المللی به یکی از این دو شکل صورت خواهد گرفت:

الف- شناسایی دوزوره: دوزوره نوع شناسایی کامل و دائمی یک دولت جدید التأسيس است؛ پس از تشکیل و اقتدار کامل یک دولت جدید عمل شناسایی از جانب سایر دولت‌ها به صورت دوزوره انجام خواهد پذیرفت. شناسایی دوزوره قطعی، غیر قابل لغو و کامل بوده و تمام آثار ناشی از شناسایی را در قبال دارد.

ب- شناسایی دوفاکتو: این نوع شناسایی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که کشور شناسایی کننده نسبت به قدرت سیاسی و ثبات کشور جدید شک و تردید داشته باشد. شناسایی دوفاکتو عبارت از همان شناسایی موقت و قابل لغو با آثار محدود است. این نوع شناسایی ممکن پس از مدتی بر اثر تغییر اوضاع سیاسی و یا کدام شرایط دیگر توسط دولت شناسایی کننده بی اعتبار اعلان شود؛ مثلاً دولت فرانسه حکومت فنلاند را در گذشته مورد شناسایی دوفاکتو قرار داده بود؛ اما بعداً در ۱۹۱۸ لغو این شناسایی را اعلان کرد. (بیگدلی؛ ۱۳۸۶: ۲۱۹)

باید خاطر نشان ساخت که به دلیل ملاحظات سیاسی در امر شناسایی ارائه قواعد لازم الاجرا در مورد چگونه گی تمیز بین این دو نوع شناسایی کار دشواری است. با آنهم می‌شود اظهار نمود که شناسایی دوفاکتو بیشتر در مورد حکومت‌های که در خصوص دوام و بقای آن‌ها تردید وجود دارد اعمال می‌شود و شناسایی دوزوره حداکثر به تأسیس دولت جدید مربوط می‌گردد. (شاو؛ ۱۳۷۴: ۱۷۸)

در حال حاضر شناسایی دوزوره یا قانونی زمانی صورت می‌گیرد که دولت شناسایی



کننده وضعیت دولت مورد شناسایی را از هر جهت قانونی و مشروع بدانند؛ در حالی که شناسایی دوفاکتو یا عملی در مورد دولت‌ها و حکومت‌هایی اعمال می‌گردد که شرایط قانونی بودن آن‌ها مورد تردید و شک قرار داشته باشد؛ یعنی، شناسایی دوفاکتو صرفاً وجود شکلی دولت یا حکومت را مورد تأیید قرار می‌دهد. به طور کلی شناسایی دوزوره به معنای تصدیق ثبات و دوام یک رژیم و علاقمندی به برقراری رابطه با آن و شناسایی دوفاکتو به معنای کنترل عملی یک رژیم و به منظور حفظ حقوق و اموال دولت شناسایی کننده در مناسبات با حکومت دوفاکتو می‌باشد. (انصاری؛ ۱۳۸۴: ۱۸۴)

تفکیک شناسایی دوزوره و دوفاکتو در عمل کمی پیچیده به نظر می‌رسد با آن‌هم می‌شود با توجه به آثاری که از این دو نوع شناسایی مترتب می‌گردد به تفاوت‌های آن پی برد. به صورت کلی می‌شود اذعان داشت که شناسایی دوزوره و دوفاکتو در موارد زیر از هم متفاوت اند:

- در شناسایی دوزوره قید و شرطی از جانب دولت شناسایی کننده وجود ندارد و این نوع شناسایی دایمی و غیر قابل استرداد دانسته می‌شود؛ اما در شناسایی دوفاکتو دولت شناسایی کننده نسبت به دوام و بقای موجودیت جدید شک و تردید دارد. بناءً شناسایی موقت و قابل پس‌گیری است.

- آثار حقوقی شناسایی دوزوره شامل تأسیس نماینده‌گی‌های دیپلماتیک (در صورت علاقمندی طرفین) و انعقاد معاهدات بین المللی بین شناسایی کننده و شناسایی شده می‌گردد؛ در حالی که در شناسایی دوفاکتو صرفاً به اعزام نماینده ویژه اکتفا شده و اثرات شناسایی خیلی محدود است.

- شناسایی دوزوره وقتی صورت گرفت اصولاً قابل پس‌گیری نیست و برای بی‌اثر نمودن شناسایی آن قطع روابط دیپلماتیک حتمی دانسته شده؛ اما در شناسایی دوفاکتو کشور

شناسایی کننده هر زمانی که خواسته باشد شناسایی را پس می گیرد.

به طور کلی، امروزه تفکیک بین شناسایی دوزوره و دوافکتو تا حد زیادی از بین رفته است و چنان که شناسایی به طور صریح صورت گیرد به معنای شناسایی دوزوره تلقی می گردد و در صورتی که به طور تلویحی و ضمنی باشد، بسته گی به قصد دولت شناسایی کننده خواهد داشت. شناسایی صریح معمولاً از طریق صدور بیانیه اعلام می گردد و شناسایی تلویحی یا ضمنی از طریق برقراری رابطه سیاسی، مبادله نماینده گان دیپلماتیک و عقد قراردادهای صورت می گیرد. (فن گلان؛ ۱۳۸۹: ۱۰۶)

### ج- آثار شناسایی

شناسایی اعم از این که نسبت به دولت یا حکومت اعمال شود بیشتر عملی است که جنبه سیاسی داشته و موضعگیری دولت شناسایی کننده را نسبت به تأسیس نهاد جدید نمایان می سازد؛ ولی با آن هم این عمل سیاسی دارای آثار حقوقی است که مهمترین آنها قرار زیر اند:

- ۱- شناسایی عطف به ما سبق شده و شامل اعمال و قوانین کشور مورد شناسایی از بدو تأسیس می گردد؛
- ۲- شناسایی سبب می شود که قوانین، مقررات و اعمال اداری یک کشور، در کشور شناسایی کننده قانوناً بتواند مورد استناد قرار گیرد؛
- ۳- شناسایی سبب می شود که دولت شناخته شده بتواند در محاکم دولت شناسایی کننده به نام خود اقامه دعوی نماید؛
- ۴- دولت شناخته شده به عنوان مقام حاکم، از صلاحیت محاکم داخلی کشور شناسایی کننده مبرا می باشد؛
- ۵- دولت شناخته شده حق دارد اموال خود را در دولت شناسایی کننده مطالبه و مسترد

دارد. (مقتدر؛ ۱۳۷۴: ۶۷)

### نتیجه گیری

با توجه به این که در عرصه بین المللی رکن فرا کشوری متمرکزی برای اعطای شناسایی وجود ندارد، هنگامی که کشور جدیدی در صحنه بین المللی ظاهر می گردد و دارای عوامل تشکیل دهنده یک کشور است سایر دولت ها باید آن را به رسمیت شناخته و موجودیت اش را تأیید کنند تا این موجودیت جدید بتواند وارد نظام بین المللی گردیده و از اعمال و رفتار خویش مسؤول دانسته شود. شناسایی را باید بیشتر عمل حقوقی تلقی نمود و کشورها ملزم به انجام چنین عملی باشند تا بدین وسیله یک جامعه نو بنیاد بین المللی نادیده گرفته نشود، هر چند عملاً برخورد دولت ها با مسأله شناسایی همیشه با ملاحظات سیاسی همراه بوده است. کشورها پدیده اجتماعی و تاریخی بوده و مولود قواعد حقوقی نیستند، بناءً کشوری که جدیداً تأسیس می گردد شخصیت حقوقی خود را از شناسایی به دست نیاورده؛ بلکه شناسایی صرفاً به منزله اعلام ورود کشور جدید به صحنه بین المللی است که می تواند سر آغازی برای برقراری روابط دیپلماتیک و انعقاد معاهدات بین المللی بین کشورهای شناسایی کننده و شناسایی شده باشد.

### منابع

- ۱- امید، علی. (۱۳۸۸). **حقوق بین الملل از نظریه تا عمل**. تهران: میزان.
- ۲- انصاری، مصطفی تقی زاده. (۱۳۸۴). **حقوق بین الملل عمومی**. تهران: نشر قومس.
- ۳- بیگدلی، ضیایی. (۱۳۸۶). **حقوق بین الملل عمومی**. تهران: گنج دانش.
- ۴- شاو، ملک. (۱۳۷۲). **حقوق بین الملل عمومی**. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: اطلاعات.

- ۵- فن گلان، گرهارد. (۱۳۸۹). **درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی**. ترجمه سید داوود آقایی. تهران: جلد اول، میزان.
- ۶- کاسسه، آنتونیو. (۱۳۸۵). **حقوق بین الملل**. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران:
- ۷- مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۲). **حقوق بین الملل عمومی**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۸- موسی زاده، رضا. (۱۳۸۸). **بایسته های حقوق بین الملل عمومی**. تهران: نشر میزان.